

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال ششم، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۳
صفحات: ۲۰۸-۱۸۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی(ره)

دکتر احمد آذین* / محمدرضا قائدی** / دکتر علیرضا گلشنی***

چکیده

هر چند جهان اسلام به دلیل منابع انسانی و طبیعی و ذخایر استراتژیک و از سویی اشتراک دینی، دارای قابلیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک قدرت اثر گذار در هندسه قدرت جهانی است اما به دلیل برخی عوامل و زمینه‌های داخلی و خارجی، دچار چالش‌های جدی است و تاکنون از این پتانسیل عظیم استفاده شایسته‌ای نشده است. این پژوهش به دنبال بررسی چالش‌ها و آسیب‌های دنیای اسلام از منظر وحدت اسلامی با تکیه به دیدگاه‌های امام خمینی (ره) می‌باشد. در این راستا، رویکرد قرآن به وحدت، دیدگاه امام خمینی (ره) پیرامون وحدت، موانع و چالش‌های فراروی وحدت جهان اسلام و رویکرد غرب پیرامون اسلام مورد بررسی قرار گرفته و به راهکارهای تقویت وحدت در بین مسلمانان نیز اشاره شده است.

کلید واژه‌ها

جهان اسلام، وحدت اسلامی، امام خمینی (ره)، ناسیونالیسم افراطی، انقلاب اسلامی.

Pr.dehaghan@yahoo.com

Ghaedi1352@gmail.com

* عضو هیات‌علمی و استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، ایران

** عضو هیات‌علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، ایران

*** عضو هیات‌علمی و استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، ایران

مقدمه

گر چه قرن‌هاست از عظمت و شکوه و جلال تمدن اسلامی می‌گذرد اما بسیاری از اندیشمندان غربی، رشد و توسعه غرب را مدیون اسلام می‌دانند. مارتین کرامر دربار عصر طلایی تمدن اسلامی اینگونه می‌گوید: «در سال ۱۰۰۰، اگر کسی زبان عربی نمی‌دانست، نمی‌توانست مدعی داشتن معرفت حقیقی باشد... شک نیست که سلسله‌های اسلامی، ابرقدرت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی آن روز بودند. اگر در سال ۱۰۰۰ جایزه نوبلی وجود می‌داشت، تقریباً تمام این جوایز به طور انحصاری به مسلمانان تعلق می‌گرفت» (Fuller, 2004:1). اما مدتی طولانی است این چراغ روشن تمدن اسلامی نمی‌درخشد. آیا عوامل و زمینه‌های آن داخلی است یا عوامل خارجی باعث ضعف جهان اسلام شده است؟ آیا تمدن اسلام همچنان خفته خواهد ماند یا بیدار خواهد شد؟

آرنولد توین بی، تاریخ‌نگار معروف انگلیسی در کتاب «تمدن در بوته آزمایش» معتقد است: «پان اسلام‌سیسم خوابیده است، اما اگر مستضعفین جهان بر ضد سلطه غرب شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلامی موثر افتد و اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند» (ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

توین بی، خروج از انقیاد و سلطه غرب و رهبری واحد در جهان اسلام را شرط احیای این تمدن عظیم می‌داند، مساله ای که تنها با وحدت مسلمین شکل خواهد گرفت. از نظر امام خمینی (ره)، «وحدت»، فلسفه وجودی و هدف نهایی حکومت‌هاست. «تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنانکه حضرت زهرا (ع) در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است». پرهیز از اختلاف و تمسک به وحدت و همبستگی مسلمانان از نظر امام خمینی (ره) به قدری اهمیت دارد که در فتوایی فرموده اند: «در وقوفین متابعت از حکم قضاوت اهل سنت لازم و مجری است اگر چه قطع به خلاف داشته باشید» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۶۲). از نظر امام خمینی (ره)، «دولت‌های اسلامی اگر با هم اتحاد پیدا نکنند، در سایه اتحاد، احتیاج به هیچ چیز و هیچ قدرتی ندارند» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰/۱۰/۷).

گفتار اول: موقعیت جغرافیایی، انسانی جهان اسلام

اکنون حدود شصت کشور مستقل که بیش از پنجاه درصد جمعیت آن‌ها مسلمانند و نیز اقلیت‌های مسلمان در سایر کشورها، جهان اسلام را تشکیل می‌دهند که به لحاظ جغرافیایی در پهنه جهانی انتشار یافته‌اند (رجاء، ۱۳۹۰: ۴۰). کشورهای اسلامی در حال حاضر از میان ۱۹۲ کشور جهان، ۵۷ کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در قاره اروپا، قبل از تجزیه یوگسلاوی، تنها کشور مسلمان اروپایی، کشور آلبانی بود. بیش از ۷۰ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند که به سبب برخورداری از موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی ویژه، مورد توجه قدرتهای گوناگون استعماری و کشورهای بزرگ بوده است (امیردهی، ۱۳۸۴: ۱۴۲). بعد از تجزیه یوگسلاوی، کشور بوسنی و هرزگوین با ۴/۵ میلیون نفر سکنه و با ۴۴ درصد مسلمان، دومین کشور مسلمان اروپایی به شمار می‌آید (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۵۱۸).

در قاره آسیا، از میان ۳۹ کشور آسیایی، ۲۱ کشور جز کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند. وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی آسیایی، اندونزی با ۲۲۲ میلیون نفر و با مساحت ۲۴/۰۴۲/۰۲۴ کیلومتر مربع (ناصری داوودی، ۱۳۸۴) و کوچک‌ترین آن، مالدیو با مساحت ۲۸۹ کیلومتر مربع است. مساحت کل کشورهای اسلامی در قاره آسیا ۱۰/۱۶۳/۹۶۵ کیلومترمربع می‌باشد که با محاسبه کشورهای تازه به استقلال رسیده آسیای مرکزی به ۱۴/۲۳۱/۹۶۰ کیلومتر مربع می‌رسد. در قاره آفریقا، از میان ۵۸ کشور آفریقایی، غیر از مصر که در ۱۹۲۲ میلادی به استقلال رسید، ۱۹ کشور دیگر آن در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به استقلال رسیده‌اند و کل مساحت ۲۰ کشور آفریقائی ۱۵/۶۷۸/۱۹۱ کیلومترمربع می‌باشد که کم وسعت‌ترین آن کومور با ۱/۷۹۷ کیلومترمربع و وسیع‌ترین آن سودان با ۲/۵۰۵/۸۱۲ کیلومترمربع می‌باشد. بر این اساس، جهان اسلام از لحاظ جغرافیایی، وسعت قابل ملاحظه‌ای از کره خاکی را در بر می‌گیرد. گستره آن حدود یازده هزار کیلومتر طول جغرافیایی، از غربی‌ترین نقطه در شمال آفریقا تا جزایر جاوه اندونزی و حدود ۶ هزار کیلومتر عرض جغرافیایی، از شمال قزاقستان تا جنوب سودان را در بر می‌گیرد (عسگری، ۱۳۸۷).

سرزمین‌های اسلامی بین ۲۰ درجه غربی (از نصف النهار گرینویچ) و ۱۴۰ درجه طول شرقی و نیز بین ۱۰ درجه عرض جنوبی و ۵۰ درجه عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته‌اند. غربی‌ترین کشور اسلامی، در غرب آفریقا واقع است که سنگال نام دارد و شرقی‌ترین آن اندونزی می‌باشد که در آسیای جنوب شرقی قرار دارد. بین غربی‌ترین و شرقی‌ترین کشور

مسلمان بیش از ۱۰ ساعت اختلاف زمان وجود دارد. ترکیه و آلبانی، شمالی ترین و اندونزی جنوبی ترین کشور مسلمان و نیز تنها کشور اسلامی آسیاست که بخش اعظم آن در نیم کره جنوبی قرار دارد. کشورهای اندونزی، بحرین، مالزی، مالدیو و کومور در میان کشورهای اسلامی موقعیت مجمع الجزایری و جزیره‌ای دارند ولی بالعکس، کشورهایی نظیر افغانستان، بورکینافاسو، چاد و مویتانی در خشکی محصور بوده و به دریا راه ندارند. کل کشورهای جهان اسلام بیش از ۲۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارند (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۶۱).

قاره آسیا در بین خشکی‌های بزرگ جهان ۶۵ درصد سکنه مسلمان را به خود اختصاص داده است. ۲۵ درصد مسلمانان در کشورهای عربی و ۱۰ درصد مسلمانان در کشورهای عربی و ۱۰ درصد در آفریقا زندگی می‌کنند. اندونزی، بنگلادش و پاکستان به تنهایی، بیش از ۴۰ درصد سکنه جهان اسلام را تشکیل می‌دهند (همان، ۶۹). پرجمعیت ترین کشور اسلامی اندونزی و کم جمعیت ترین کشور مسلمان، مالدیو است. میانگین تراکم نسبی کشورهای اسلامی حدود ۱۰۳ نفر در کیلومتر مربع است که بیشترین آن با ۷۷۴ نفر در کیلومتر مربع مربوط به بنگلادش و کمترین آن به جمهوری عربی صحرای باختری اختصاص داد (همان، ۶۹). بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر، جمعیت جهان اسلام، برآورد شده است (عسگری، ۱۳۸۷).

گفتار دوم: وحدت در اسلام

الف) مفهوم وحدت در قرآن

«وحدت» امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت، نوید بخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ/ و همانا این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم. از من پروا کنید» (سوره مومنون، آیه ۵۲).

در تفکر دین هرگز مراد از وحدت، کنار نهادن سایر مذاهب نیست. وحدت اسلامی به کارگیری ابزار تحقق امت واحد، به عنوان یک آرمان نهایی، در سطح جوامع و جهان اسلامی خواهد بود:

«وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (سوره حج، آیه ۷۸). بنابراین از نظر مفهومی وحدت اسلامی، از جهت روش و ابزارمندی آن شامل تمامی تصمیم سازی‌ها،

سیاستگذاری‌ها، اتخاذ روش‌های واحد، بهره‌گیری از امکانات مشترک و تدابیری می‌شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق وحدت امت اسلامی است. از این رو خداوند می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳).

از منظر آیات قرآن، وحدت کلمه امت اسلام، وحدت دینی و اسلامی است و به عنوان شیوه و ابزار تحقق اهداف و مقاصد دینی و الهی تلقی می‌شود. همچنین تفرقه و اختلاف در دین و از بین رفتن وحدت امت اسلام را با اقامه دین حق و آیین توحیدی منافی دانسته می‌فرماید: «أَقِمْو الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (سوره شوری، آیه ۱۳). از سوی دیگر، به شدت کسانی را که در پی اختلاف افکنی هستند و یا در پی ایجاد وحدت بین امت اسلامی نیستند، سرزنش و مذمت می‌کند و آن را مانند ملل پیشین قلمداد نموده که پس از هدایت الهی، باز به سمت اختلاف تمایل یافتند و سزاوار عذاب عظیم شدند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵).

بنابراین وحدت از منظر دینی امری مطلوب و بدان بسیار سفارش و تاکید شده است به گونه ای که اقامه دین در پرتو وحدت امت اسلام است. این وحدت، در قلمرو حکومت‌ها و جوامع اسلامی و در میان ملل مسلمان، «وحدت سیاسی» نام دارد (فولادی، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۷).

ب) وحدت اسلامی از نظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره)، منظور از وحدت اسلامی و امکان تحقق آن را اینگونه بیان می‌کنند: «در صورتیکه پیروان مکتب سرمایه داری و کمونیسم با آن تباینی که دارند، با هم متحد شده اند و یهود و نصاری اختلافات جزئی خود را نادیده بگیرند، و [شما] برای دفاع از اسلامتان در یک صف قرار گیرید» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۵۹).

امام خمینی(ره) وحدت را «عامل قدرت» و تفرقه را موجب «سستی پایه دیانت» تلقی کرده و هشدار می‌دهد که «تفرقه موجود در بین کشورهای مسلمان یا از خیانت سران ممالک اسلامی و یا جهل و بی اطلاعی آنان است... سنی و شیعه مطرح نیست، در اسلام کرد و فارس مطرح نیست، در اسلام همه برادر و با هم هستیم. یک دسته از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته ای اخباری هستند... در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر و با هم هستیم... این‌ها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم.

برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آن‌هایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آن‌ها می‌خواهند نه این باشد و نه آن، راه را این طور می‌دانند که بین این دو اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنی بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت کنیم» (همان، ۲۵۹).

یا در جای دیگر می‌فرمایند: «مسلمانان به دستورات اسلامی رفتار کنند و وحدت کلمه خود را حفظ نمایند و از اختلاف و تنازع که مایه شکست آن‌هاست دست بکشند» (صحیفه نور، ج ۱: ۲۰۳). از نظر امام خمینی (ره) «آن روزی که این وحدت از بین برود، مرگ همه ما و به باد رفتن همه نوامیس و به باد رفتن زحمت‌های انبیاء، نسبت به کشور خودمان و نسبت به کشورهای دیگر به باد فنا خواهد رفت» (همان، ۲۳۴).

«اگر ان شاء الله آن وحدت بین مسلمین و دولت‌های کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشانش خواسته‌اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‌اند حاصل شود، دولت‌های کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملت‌ها می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده‌ها میلیون زیر پرچم داشته باشد که بزرگ‌ترین قدرت را در جهان به دست آوردند» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۹۲). به نظر امام، «ما محتاج به وحدت هستیم در سالیان دراز، همیشه قرآن کریم به ما دستور داده و به مسلمین دستور وحدت داده برای سراسر عالم و در سراسر تاریخ. ما محتاج به این هستیم که عملاً وحدت را محقق کنیم» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۵). «وحدت مذهبی است که این اجتماع عظیم و فشرده را ایجاد می‌کند. اگر علاقه به استقلال دارید، وحدت مذهبی داشته باشید» (صحیفه نور، ج ۱: ۶۴).

اهمیت وحدت برای امام خمینی (ره) تا آن اندازه است که فرموده‌اند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است. برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان» (همان، ۸۳).

«سلاطین اسلام، این‌ها مسؤولیت شان خیلی زیاد است. شاید بیشتر از همه طبقات باشد. اسلام الان به دست این طبقه است. آنها مسؤولند بر حفظ اسلام و حفظ وحدت کلمه اسلام و حفظ احکام اسلام و معرفی کردن اسلام» (همان، ۱۱۹). «تنها راه بازیابی عظمت و عزت و شکوه بینش اسلام و مسلمین، مسؤولیت پاسداری وحدت و برادری دینی، تنها ضامن استقلال

سرزمین‌های اسلامی است» (همان، ۱۹۲). از نظر امام، «رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و وحدت ایمان بود» (صحیفه نور، ج ۶: ۴۹).

ج) موانع تحقق وحدت اسلامی

۱- دوری از اسلام ناب

امام خمینی (ره)، مشکلات جهان اسلام را دور افتادن از اسلام واقعی، عدم توجه به تعالیم قرآن، رخنه فرهنگ استعماری، زیر نفوذ بودن کشورهای اسلامی و سران کشورهای اسلامی، دور افتادن از اسلام و حقایق آن و عمل کردن به اسلام، عدم تفاهم بین‌المللی میان کشورهای اسلامی، سرسپردگی حکومت‌های مسلمین و دخالت قدرت‌های بزرگ، ذکر می‌کنند، که اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلامی بتوانند بر مسائل و موانع و مشکلات موجود بر سر راه جهان اسلام فایق آیند، آن‌گاه می‌توانند قدرتی بزرگ در جهان به نام جهان اسلام ایجاد کنند و این جهان ایجاد نمی‌شود مگر از راه وحدت (عیسی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۶). وحدت و برادری با گروه‌ها و فرقه‌های مختلف مسلمانان جهان با دولت‌های اسلامی برای مبارزه با حکومت‌های استکباری دنیا و اسرائیل صهیونیست (داستانی، ۱۳۸۰: ۵۷).

علت اینکه دنیای اسلام مشکلات فراوان دارد از نظر امام(ره)، این است که ما به اسلام عمل نمی‌کنیم، جهان اسلام به اسلام عمل نمی‌کند (در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۵، ۱۳۶۲: ۶). پس راه چاره نجات جهان اسلام، عمل کردن به اسلام است. از دیدگاه امام خمینی(ره) «بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند و حجج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبارت خشک و یک حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است» (همان، ۶۷). امام خمینی(ره) علت بدبختی جهان اسلام را در این می‌داند که این‌ها (کشورهای اسلامی) خودشان را پیرو اسلام می‌دانند. لکن آنی که اسلام هست اصلاً خبری از آن نیست؛ اسلامی که در قرآنش با صراحت می‌گوید که نباید سلطه جویان عالم، کفار عالم بر مسلمین مسلط بشوند و سلطه پیدا بکنند(همان، ۶۲). «... ملت‌ها باید برگردند به صدر اسلام، اگر حکومت‌ها هم با ملت‌ها برگشتند که اشکالی نیست و اگر برگشتند ملت‌ها باید حساب خودشان را از حکومت‌ها جدا کنند» (همان، ۲۱-۲۰).

از نظر امام خمینی(ره)، تنها راه و داروی درمان دردهای جوامع اسلامی، صرفاً احیای «اسلام ناب محمدی» است. اسلام ناب، وحدت بخش مسلمانان، از هر نژاد، زبان و قومیتی است. «اسلام ناب محمدی، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان، تاریخ تلخ و شرم آور محرومیت، کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام، نابود کننده اسلام رفاه و تجمل و اسلام التقاط و اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی می باشد»(در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۴، ۱۳۶۲ : ۳۴۰). اسلام ناب در اندیشه امام خمینی (ره)، منظومه و مجموعه فکری و عملی جامعی است که از غنای مطلق برخوردار بوده و در ارتباط با زندگی انسان برنامه‌های دقیق و همه جانبه به همراه دارد (مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۷۴: ۴۵).

۲- دولت‌های خودکامه، مستبد و وابسته در کشورهای اسلامی

حکومت‌ها و رژیم‌های مستبد در کشورهای اسلامی، محل آزادی بوده و با منافع مردمی سازگاری ندارند و دولت‌های وابسته و ضد مردمی بوده، مانع اصلی حرکت‌های همسو، وحدت‌گرا در جهت مصالح جهان اسلام می باشد. از این رو، رهایی از یوغ رژیم‌های ضد مردمی، یکی از ارکان اساسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در نظریه وحدت می‌باشد. «بر انداختن طاغوت یعنی قدرت‌های ناروایی که در سراسر وطن اسلامی برقرار است وظیفه همه ماست. دستگاه‌های دولتی جابر و ضد مردم باید جای خود را به موسسات خدمات عمومی بدهد و طبق قانون اسلام اداره شود و به تدریج حکومت اسلامی مستقر گردد» (در جستجوی راه از کلام امام، دفتر اول، ۱۳۶۲ : ۱۸۶).

از نظر امام خمینی(ره)، چون حکومت‌ها، منتخب مردم نیستند لذا به اصل وحدت نیز توجهی ندارند چرا که «اگر حکومت کنندگان کشورهای اسلامی نماینده مردم با ایمان و مجری احکام اسلامی بودند، اختلافات جزئی را کنار می‌گذاشتند دست از خرابکاری و تفرقه اندازی بر می‌داشتند و متحد می‌شدند و ید واحده می‌بودند». دولت‌های مستبد، غالباً به دلیل جدایی از مردم برای تثبیت موقعیت خود در کشور، به قدرت‌های سلطه‌گر خارجی متوسل می‌شوند و از این رو، بیش از آنکه در خدمت مردم خود باشند، به حامیان خارجی خود خدمت می‌کنند. تکیه بر دولت‌های اجنبی و اعتماد به آن‌ها، موجب تحقیر شده، تعصبات قومی و نژادی تجلی پیدا می‌کند و به بروز اختلافات داخلی منجر می‌گردد (موثقی، ۱۳۷۸: ۳۰۹).

وجود حکومت‌های خودکامه و نبود نهادها و بنیان‌های مردم سالارانه از مدرن و سنتی زمینه ساز شکل‌گیری جنبش‌های خشن سلفی در جهان اسلام به ویژه در دهه‌های اخیر شده است. استبداد کمال آتاتورک در ترکیه، رضا خان در ایران، ایوب خان در پاکستان، جمال عبدالناصر در مصر، خاندان سعودی در عربستان و سوکارنو در اندونزی نمونه‌هایی از استبدادهایی است که جذابیت راه‌های رادیکال و بنیادگرایانه را افزایش داده‌اند (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

بیشتر کشورهای جهان اسلام به ویژه در شبه جزیره عربستان و آسیای مرکزی و قفقاز از عدم مشروعیت سیاسی رنج می‌برند. عدم اعتماد و اتکای دولتمردان این کشور به ملت خود از یکسو و بدبینی به همسایگان مسلمان خود از سوی دیگر باعث شده تا این دولتمردان برای حفظ و بقای رژیم سیاسی خود به قدرتهای فرا منطقه‌ای و جهانی متوسل شوند. این وابستگی سیاسی باعث ایجاد پیمان‌های متعدد دو جانبه و چند جانبه بین این کشورها و قدرتهای سلطه گر جهانی شده است که این پیمان‌ها و اتحادها با خود تعهداتی را به همراه دارد. همین محدودیت‌ها و تعهدها باعث شده کشورهای مسلمان توان تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی را به صورت مستقل نداشته باشند به طوری که در رابطه با مسائل مختلف جهانی، کشورهای جهان اسلام خط مشی‌های سیاسی مختلفی را در پیش گرفته و بر سر مسائل سیاسی مشترک، از جمله وحدت جهان اسلام به توافق نمی‌رسند. در مجموع وابستگی‌های متنوع دولت‌های جهان اسلام به قدرتهای جهانی در گذشته و حال، زمینه را برای مداخله و توسعه شکاف‌ها و جدایی و تجزیه جهان اسلام فراهم کرده و بی ثباتی، کشمکش، رقابت و گسترش اتکا به دولت‌های غیراسلامی را سبب می‌گردد (حافظ نیا، زرقانی ۱۳۹۱: ۱۵۰).

ریچارد لیتل (۱۹۸۵) براساس مفهوم «تعادل قوا» ۳ نوع حکومت را مطرح می‌کند: ۱- یکپارچه؛ ۲- چندپاره؛ ۳- بی نظم یا اقتدار گریز. حکومت‌های یکپارچه، حکومت‌های تقریباً قدرتمند هستند که قدرت آنان با حمایت یا دست کم بدون مخالفت مردم به گونه ای مشروع و انحصاری حفظ می‌شود. حکومت‌های چند پاره، بیش از انحصار، قدرت خود را بر سلطه بنا نهاده‌اند. سرانجام، حکومت درگیر بی نظمی، از سنخ حکومت‌های بسیار ضعیف است و قدرت در آن چند پاره و از مشروعیتی بسیار ناکارآمد برخوردار است، به نحوی که هیچ گروهی از امکان لازم برای کنترل حکومت مرکزی برخوردار نیست و در واقع این کشورها در شرایط جنگ داخلی به سر می‌برند (Buzan, 1983:21-22).

در سایه حادثه ۱۱ سپتامبر و تدوین راهبرد امنیت ملی آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۲ به‌طور جدی مفهوم «دولت‌های ورشکسته» در مرکز توجه دولت آمریکا قرار گرفت و آن را تهدیدی برای ایالات متحده در نظر گرفت (Carment, 2003: 407). در حال حاضر راهبرد امنیتی آمریکا، معطوف به دولتهای ورشکسته است. لذا در آینده نیز این کشورها، همچنان کانون‌های بحران در سطح جهان اسلام محسوب خواهند شد و چه بسا که دولت‌های جدیدی نیز در این ورطه امنیتی قرار گیرند. در عمل، چهره جدیدی از گرایش‌های امپریالیستی در الگوی نوین رفتار خارجی ایالات متحده بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را تداعی می‌کند (Bilgin & Morton, 2002: 89)، حرکتی که به دنبال ساختن چهره‌ای از آمریکا به عنوان «امپراتوری خیرخواه» است که هدفی جز صیانت از منافع نظام جهانی ندارد (Kagan, 1998: 24-34). بالتبع، نتیجه تعقیب این سیاست‌ها توسط آمریکا، تداوم واگرایی در سطح جهان اسلام خواهد بود. امروزه محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دولت‌ها موجب بروز بحرانهایی شده است که غرب در مدیریت تشدید این بحران‌ها دخیل است (عیوضی، ۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۷۱).

از نظر مردم سالاری، جهان اسلام در وضعیت مناسبی قرار ندارد. براساس شاخص مردم سالاری اکونومیست در سال ۲۰۰۸ میلادی، تنها کشورهای مالزی و اندونزی در میان هفتاد کشور اول دارای مردم سالاری قرار دارند. سنگاپور در رتبه ۸۲، فلسطین، بوسنی هرزگوین و ترکیه به ترتیب در رتبه‌های ۸۵، ۸۶ و ۸۷ قرار دارند. پاکستان در رده ۱۰۹، مصر ۱۱۹، افغانستان ۱۳۸، سودان ۱۴۶، عربستان ۱۶۱ از میان ۱۶۷ کشور مورد بررسی قرار دارند. به ویژه این مساله در مورد مصر و عربستان بسیار قابل تامل است (Economist, 2008).

۳- اختلافات داخلی در کشورهای اسلامی

چالش دیگر پیش روی جهان اسلام، بروز اختلافات داخلی است. این اختلافات را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱- اختلافات قومی، قبیله‌ای و فرقه‌ای؛

۲- اختلافات ناشی از وجود اقلیت‌های مذهبی، نژادی و زبانی؛

۳- اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

«امروزه در دنیای اسلام، مهمترین خطری که ما را تهدید می‌کند، تفرقه است... این درست همان نقطه‌ای است که صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها از آن زیان می‌بینند و همه تلاش خود را علیه آن به کار انداخته‌اند. اختلافات قومی، مذهبی، طایفه‌ای، سیاسی و ارضی، همه تحریک شده دشمنان است. زمینه‌های این گونه اختلافات در بین خود ما وجود داشته، منتها ما غفلت کرده‌ایم و آن زمینه‌ها را از بین نبرده‌ایم، آن‌ها هم آمده‌اند از غفلت امت اسلامی استفاده کرده‌اند و این اختلافات را تشدید کرده‌اند و ما را به جان هم انداخته‌اند» (بیانات در دیدار با شرکت کنندگان در همایش جهان اسلام، ۲/ ۱۰/ ۱۳۷۶).

بخش زیادی از اختلافات ارضی و مرزی در جهان اسلام، میراث شوم دوران سلطه استثمار گران است که مانند استخوان لای زخم، مانع از التیام این زخم‌های سیاسی می‌شود. وجود زخم‌های سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا، انرژی ملت‌های اسلامی را به تحلیل خواهد برد. به دلیل نقش مهم قدرت‌های استعمارگر در تحدید حدود مرزهای کشورهای اسلامی و تحمیلی بودن بیشتر این مرزها، بسیاری از کشورهای اسلامی در مسائل سرزمینی و مرزی با یکدیگر اختلاف دارند.

منطقه خلیج فارس به‌عنوان حساس‌ترین بخش جهان اسلام با موارد عدیده‌ای از این قبیل مواجه می‌باشد. مرزهای دریایی اکثر کشورهای منطقه، مشخص و قطعی نشده است. اختلافات ارضی و مرزی بین عربستان و امارات متحده عربی، امارات متحده و عمان، عربستان و قطر، عربستان و یمن و... همچنان حل نشده باقی مانده‌اند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۳).

برخی از این اختلافات، جهت ایجاد انحراف در افکار عمومی و تلاش برای وحدت آفرینی می‌باشد. طمع سرزمینی امارات متحده عربی بر بخشی از خاک ایران (جزایر سه گانه) از این نوع است که باعث اظهار نظرهای غیرواقعی و تخریب زمینه‌های همگرایی در روابط دو کشور و روابط منطقه‌ای گردیده است. امارات متحده عربی با اکثر همسایگان خود دارای اختلاف ارضی و مرزی است (عسگری، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

در مورد اختلافات ارضی به اختلاف بین عربستان سعودی، عمان و ابوظبی بر سر واحدهای بوری می و یا ادعای عراق در خصوص کویت، ادعای امارات نسبت به سه جزیره ایرانی و... از این موارد است. اختلاف بین ترکیه، سوریه و عراق بر سر بهره برداری از آب فرات و همچنین در حوضه رود اردن اختلاف لبنان، سوریه، اردن و رژیم اشغالگر قدس بر سر منابع آب و اختلاف مصر با سودان و اتیوپی در حوزه نیل نیز از دیگر موارد است. بنابراین وجود اختلافات مرزی و

سرزمینی نیز از عوامل مهم واگرایی و عدم اتحاد جهان اسلام به شمار می‌رود (حافظنیا، زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

۴- ناسیونالیسم افراطی

ایدئولوژی سکولار ناسیونالیسم کار تفکیک و تقسیم‌بندی جهان اسلام را انجام داد ولی در هویت‌دهی و معنا بخشی ملت‌های جدا شده کاری از پیش نبرد. همانگونه که هشام شرابی گفت؛ «اندیشه ناسیونالیسم به رشته‌ای از ارزش‌های غیردینی و هدف‌های سیاسی مخالف با اسلام‌یسم و عثمانیسم، اشاره می‌کند» (شرابی، ۱۳۶۹: ۱۲۰).

به زعم هشام شرابی، ناسیونالیسم کاملاً غیردینی، به دلیل پافشاری بر اصول سکولاریستی خود «از جریان اصلی فعالیت سیاسی بیرون ماند» (همان، ۱۲۲).

بسیاری از عناصر اصلی رهبران ملی‌گرای ترک و عرب، هیچ نوع ارتباطی با اسلام نداشته و نیز هیچ نوع اعتقادی به مکتب اسلام نداشتند چون ملی‌گرایان ترک، اغلب از یهودیان روسی یا از ترکان غیر مسلمانی بودند که از روسیه آمده بودند آنچنان که رهبران ملی‌گرای و نژادی در کشورهای عربی از مسیحیان لبنانی بودند که مخالف وحدت اسلامی بودند. قدرت‌های استعمارگر با استفاده از این افراد، حصار از ملت پرستی (ملی‌گرایی) دور کشورهای اسلامی کشیده، با زنده کردن و عظمت دادن به تمدن‌های قدیمی شان از قبیل؛ تمدن فراعنه در مصر، فنیقی‌ها و آشوری‌ها در عراق و سوریه، تورانی‌ها در ترکیه، عرب‌ها در کشورهای عرب زبان، ایرانی‌ها در ایران و همچنین با رواج مکتب‌ها و مذهب‌هایی از قبیل؛ مارکسیسم، فراماسونری، قادیانی‌گری، بهایی‌گری، کسروی‌گری، شیخی‌گری، وهابی‌گری و... به آتش اختلافات بین کشورهای مسلمان دامن زده و با راه انداختن جنگ وجدال داخلی یکپارچگی آنان را بر هم می‌زنند (حافظنیا، زرقانی ۱۳۹۱: ۱۴۶).

ملی‌گرایی، یکی از عواملی بود که مانع وحدت دنیای اسلام شد. ملی‌گرایی در اصل نوعی برداشت فکری در یک جامعه سیاسی است که بر پایه مشترکاتی چون فرهنگ، زبان، آداب و سنن و تعلقات خونی، نژادی و قبیله‌ای به وجود می‌آید. ملی‌گرایی گاه ریشه در برتری طلبی نژادی و قومی دارد که از آن به شوونیسم یا ملی‌گرایی افراطی تعبیر می‌شود و از خلال آن، گاه برخی مکاتب انحرافی ظهور می‌کنند که از جمله می‌توان به فاشیسم و نازیسم اشاره کرد (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۳۶-۱۳۵).

با خاتمه جنگ جهانی اول، نهضت استقلال طلبی و رشد ملی گرایی در کشورهای اسلامی به ویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شروع شد. البته در رواج این پدیده باید نوعی استعمار غرب را جستجو کرد، زیرا اروپا در صدد جدا کردن اعراب از امپراطوری عثمانی و نابودی آن بود.

بعد از جنگ جهانی دوم، در حالی که تمایلات «فرا ملی گرایی» در میان کشورهای اروپایی رو به افزایش بود، کشورهای اسلامی برای مقابله با استعمار، در پی تقویت ملی گرایی و بسیج نیروهای ملی بودند که در نتیجه آن، روند استعمارزدایی در کشورهای آسیایی و آفریقایی شکل گرفت و دولت‌های مستقل ملی در این مناطق ظاهر شدند. بر خلاف گرایش نوع اول که به دنبال وحدت و تقویت همگرایی بود، گرایش نوع دوم به دلیل افراط در ملی گرایی، جدایی طلبانه و استقلال خواهانه بود و در نتیجه تضعیف روند همگرایی را به دنبال داشت (مقتدر، ۱۳۷۰: ۸۲-۷۴).

غالب کشورهای عرب خاور میانه به دام همین نوع از ملی گرایی با نام فریبنده ملی گرایی عرب افتادند که حاصل آن نه تنها طرد سایر کشورهای مسلمان و غیرعرب بود بلکه موجب تفرقه و جدایی میان خود آنها نیز شد (ولایتی، سعید محمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). با شکست پان عربیسم در جنگ‌های ۱۹۶۷ و کمرنگ شدن قدرت تفکرات ناسیونالیستی و چپ در کشورهای اسلامی، اسلام گرایی به عنوان جانشینی نیرومند بین افکار عمومی جوامع خاورمیانه و عرب مطرح شد (عطارزاده، ۱۳۹۱: ۱۵۶). جریان‌های آلترناتیو اسلامی، تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران موجی از خودباوری را یافتند که می توانند به عنوان نیروی قدرتمند و فعال دست به مقابله علمی با دشمنان و تشکیل حکومت بزنند (احمدی، ۱۳۸۱). قدرت گرفتن گروه‌های اسلام گرا همگام با افول پان عربیسم از یکسو به مطرح شدن آنان در سطح منطقه ای و از سوی دیگر به دور شدن ایالات متحده از این گروه‌ها منجر شد و مجموعه حوادث دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی باعث ناامیدی آمریکایی‌ها از اسلام گرایان و دلیل سیاست‌های دوگانه این کشور در مورد دموکراسی در کشورهای اسلامی شد. لذا آمریکا در اینجا با پارادوکس دموکراسی مواجه شد (Gerges, 1999).

۵- دشمنی غرب با اسلام

خانم الن سیلینو در ژانویه ۱۹۹۶ در نیویورک تایمز طی مقاله ای با عنوان «خطر سرخ رفت، خطر اسلام آمد» به خوانندگان هشدار می‌دهد که اسلام را همچون «خطر سبز» تصور کنند که منافع غرب را به مخاطره انداخته است (سعید، ۱۳۸۷: ۱۹). به تعبیر فوکویاما «اسلام یک ایدئولوژی نظام‌مند و شفاف است که دارای اصول اخلاقی و جهان بینی معین در مورد عدالت سیاسی- اجتماعی است. به‌طور بالقوه، جاذبه و کشش اسلام، جهانی است، چرا که از نظر این دین تمامی انسان‌ها برابرند. در واقع اسلام در بخش اعظم دنیای خود دموکراسی لیبرال را مغلوب کرده، تهدیدی جدید علیه نظام‌های لیبرال، حتی در درون کشورهای که اسلام در راس حاکمیت سیاسی آن نیست، به حساب می‌آید» (مردن، ۱۳۷۹: ۲۴).

هانتینگتون می‌گوید: «مادام که اسلام، همچنان اسلام بماند (که البته چنین خواهد شد) و غرب نیز غرب بماند (که جای شک دارد) نزاع بنیادین میان این دو تمدن و روش زندگی، روابط آنها در آینده را تعریف خواهد کرد، درست به همان‌گونه که در چهارده قرن گذشته صورت پذیرفته است» (برگر، ۱۳۸۰: ۱۲۹). در آینده براساس منطق هانتینگتونی، روابط بین الملل به صورت امروزی دولت- ملت، جای خود را به روابط بین فرهنگ‌ها خواهد داد و به جای حدود دویست واحد سیاسی امروز، هفت یا هشت واحد فرهنگی غربی، هندی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلاوی، آمریکای لاتین و اسیان آفریقایی وجود خواهد داشت (افتخاری، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۳).

جنگ فرهنگی به ویژه بین غرب با مسلمانان با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، شدت و شتاب بیشتری یافت. غرب که به دنبال یک «غیر» و تهدید فرهنگی برای پیگیری منافع و معادلات امنیتی خود در نقاط بحرانی جهان بود، مرتباً مقوله اسلام‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی را تبلیغ می‌کرد. همین روند در چهارچوب بنیادگرایی اسلامی و حتی تعبیر تندتری نظیر تروریسم اسلامی مطرح گردید تا مبارزه بین جهان اسلام و بنیادگرایی اسلامی به عنوان تهدید کننده منافع نظام سرمایه داری و روند جهانی سازی نمود عینی تری پیدا کند. «چریل بنارد» از پژوهشگران بخش ملی موسسه مطالعاتی «رند» گروه‌های مختلف اسلامی را به ۴ گروه متفاوت تقسیم می‌کند: ۱) بنیادگرایان، دشمن سرسخت غرب به ویژه آمریکا محسوب می‌شوند و قصد نابودی مدرنیته مردم سالار را دارند. حمایت گاه و بیگاه غرب از آن‌ها یک گزینه راهبردی نیست بلکه صرفاً ملاحظاتی تاکتیکی گذراست؛ ۲) سنت‌گرایان، نگرش و

دیدگاهی میانه رو دارند. با این حال، میان گروه‌های مختلف سنت گرایان اختلاف‌های مهمی وجود دارد. شماری از آن‌ها به بنیاد گرایان نزدیک ترند، اما هیچ کدام علاقه ای ژرف به مردم سالاری مدرن، فرهنگ و ارزش‌های مدرنیته ندارند. در نهایت خوش بینی، می توان با آن‌ها فقط یک گام نگران کننده برداشت؛ ۳) مدرنیست‌ها، از نظر ارزش‌ها و خط مشی‌ها نزدیک ترین گروه به غرب به شمار می روند و ۴) سکولارها، به مانند مدرن از نظر ارزش‌ها و خط مشی‌ها نزدیک ترین گروه به غرب به شمار می روند. با این همه موقعیت آن‌ها به سبب نداشتن پشتوانه قدرتمند، منابع مالی، زیر ساختی کارا و خط مشی کلان، ضعیف‌تر از دیگر گروه‌هاست. سکولارها نه تنها گاهی در جایگاه متحدانی که پایه‌های پذیرش ایدئولوژی گسترده دارند، مقبول نیستند بلکه با بخش سنتی مخاطبان اسلامی نیز از رابطه ای آزار دهنده برخوردارند (۶۳).

د) راهکارهای تقویت وحدت در بین مسلمانان

۱- توجه به اشتراکات

از نظر امام خمینی(ره) «یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند. اصلا طرح این معنا، از اول درست نبوده، در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید طرح شود، ما همه برادر هستیم و با هم هستیم، منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی، یکدسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، این‌ها شدند شیعه، این‌ها دلیل اختلاف نیست ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضاد داشته باشیم. ما همه با هم برادریم، برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروزه اختلاف بین ما، تنها به نفع آن‌هایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند، و نه مذهب حنفی و.... آن‌ها می‌خواهند نه این باشد و نه آن، راه را این طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۵۹).

به نظر امام خمینی(ره) «اگر این دولت‌های اسلامی، این دولت‌هایی که همه چیز دارند، این دولت‌هایی که ذخایر زیاد دارند، اگر این‌ها با هم اتحاد پیدا نکنند، در سایه اتحاد، احتیاج به هیچ چیز و هیچ کشوری و هیچ قدرتی ندارند. احتیاج وقتی پیدا می‌شود که مثل حالا متفرق باشند، کشورها از هم جدا باشند. چرا باید کشورها که یک همچو پشتوانه عظیم دارند و آن قرآن کریم و اسلام عزیز و خدای بزرگ است، چرا باید یک همچو پشتوانه‌ای که آن‌ها را دائم دعوت می‌کند به وحدت و از تفرقه اندازی و تفرقه آن‌ها را منع می‌کند چرا ما باید در مقابل اسلام عزیز تفرقه بیندازیم» (در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۵، ۱۳۶۲: ۴۲-۴۱).

۲- وحدت در عین کثرت

امام خمینی(ره) اعتقادی به یکی شدن کشورها ندارد، بلکه معتقد است که هر کدام از کشورها با حفظ حدود و ثغورشان باید برای توحید کلمه تلاش کنند. «... دست برادری بدهند، حدود و ثغورشان را حفظ کنند، (زیرا) دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند، دیگر هند به کشمیر طمع نمی‌کند. اگر توحید کلمه باشد چطور می‌توانند این‌ها، یک مشت یهود دزد، چطور می‌توانند فلسطین شما را از دست تان بگیرند» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۳). و در جای دیگر فرموده اند: «هر کدام حدود و ثغورشان محفوظ، لکن آن دشمن خارجی که به شما این قدر ضرر وارد می‌کند در مقابل او توحید کلمه کنید» (همان، ۳۳).

۳- تشکیل حکومت اسلامی

تشکیل حکومت اسلامی، یکی از اقدامات عملی در جهت ایجاد وحدت و همبستگی است. امام (ره) در این زمینه چنین بیان می‌کنند که: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تامین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن، حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است، چنان که حضرت زهرا (ع) در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به اتحاد است» (امام خمینی، ولایت فقیه: ۲۷؛ سعادت، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

۴- توجه به نقش ملت‌ها در تحقق وحدت

پس از ناامیدی از دولت‌ها، شیوه دوم مبارزه امام خمینی (ره) بر اصل محوریت مردم استوار بود. تاکید امام(ره) در این مرحله به نیروی قدرتمند مردمی بود. مهمترین ویژگی این رویکرد تغییر استراتژی «اصلاحی» به استراتژی «انقلابی» نهفته است. امام خمینی(ره) به این نتیجه رسیدند که مبارزه اصلاحی می باید به مبارزه انقلابی تبدیل شود و در مبارزه انقلابی توده‌ها نقش اصلی را بر عهده خواهند گرفت. «ملت‌ها خودشان باید در فکر اسلام باشند، مایوسیم ما از سران اکثر قریب به اتفاق مسلمین، لکن ملت‌ها خودشان باید به فکر باشند و از آن‌ها مایوس نیستیم» (در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۵، ۱۳۶۲: ۱۷۹). «به ملت‌های اسلامی توصیه می کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت‌های جائز خود را در صورتی که به خواست ملت... سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت به جای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و غرب می‌باشند (امام خمینی(ره)، وصیت نامه : ۱۳).

۵- توجه به موضوع قدس و فلسطین

امام خمینی(ره) با تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان «روز جهانی قدس» و «روز اسلام»، اهتمام خاص خود به امور مسلمانان را نشان دادند و نقطه عطفی در اتحاد میان مسلمانان جهان ایجاد کردند که هر روز و هر سال بر عظمت و ابهت این روز افزوده می‌شود. ایشان در این باره می‌فرمایند: «روز قدس، روز اسلام است. روز قدس، روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس، روزی است که باید به همه ابر قدرتها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره به واسطه اعمال خبیث شما واقع نخواهد شد» (صحیفه امام، ج ۹: ۲۷۷).

فتحی شقاقی یکی از رهبران فلسطینی گفته است، انقلاب ایران بود که عصر جدیدی را پیش روی جنبش فلسطین گشود و باعث شد که به مساله فلسطین تنها از زاویه اسلام نگاه شود (ابراهیم شقاقی، ۱۳۷۱: ۱۲۳). انقلاب اسلامی، برداشتی نوین از اسلام و قرآن، در جهان، جوامع اسلامی و نیز در جامعه سنی مذهب فلسطین پدید آورد، چنان که روند مخالفت با دولت‌های فاسد و سرکوب گر را تشدید کرد، به مبارزه آشکار بر ضد آموزه‌های تحمیلی ضد دینی دامن زد، تلاش برای تحقق برابری و عدالت اجتماعی را شدت بخشید، واکنش مسلمانان

در برابر غرب و غرب زدگی را گسترش داد و نیز ناامیدی سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی (۱۹۷۰ میلادی) را از عرصه مبارزه حذف کرد. در واقع انقلاب ایران، این حقیقت را که اسلام، راه حل و جهاد، وسیله اصلی است، به سرزمین‌های در حال مبارزه با استکبار به ویژه کشورهای مسلمان انتقال داد (کدیور، ۱۳۷۴: ۹۷).

نتیجه‌گیری

جهان اسلام، در حال حاضر، دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ناهمگون است. چالش‌های فراروی وحدت جهان اسلام اگر به درستی مدیریت، کنترل و کاهش یابد، می‌تواند به احیای عظمت و شکوه گذشته تمدن اسلامی در هندسه قدرت جهانی منجر شود. هر چند وابستگی این دولت‌ها به غرب در حال حاضر مهمترین مانع فراروی وحدت جهان اسلام است اما از نقش عمده و برجسته برخی قدرت‌های منطقه‌ای همچون جمهوری اسلامی ایران در تقویت وحدت اسلامی نباید غافل شد.

عربستان سعودی نیز گرچه به دلیل ممانعت از تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به قدرت برتر منطقه‌ای، رفتارهای فراتر از رقابت و حتی منازعه را با انقلاب اسلامی در پیش گرفته (که نمونه عینی آن را در حمایت کامل مالی - نظامی از سلفی‌ها و تکفیری‌ها در سوریه - عراق - لبنان و... شاهد هستیم) اما به نظر می‌رسد در بلندمدت به دلیل عدم موفقیت در این هدف، برخی از سیاست‌های خود را تعدیل نماید. عربستان سعودی به دلیل جایگاه و تاثیر منطقه‌ای و وجود مکان‌های مقدس مکه و مدینه مورد توجه خاص جهان اسلام است و در صورت تداوم سیاست خصمانه با جمهوری اسلامی ایران، روند واگرایی را در جهان اسلام افزایش خواهد داد و منجر به دو قطبی یا چند پارگی جهان اسلام خواهد شد. نقش نخبگان فکری، سیاسی و حکومتی جهان اسلام در ارائه وضعیت فعلی که تنها خواست صهیونیست‌ها را برآورده می‌نماید، در تغییر این مسیر نا مقدس غیر قابل انکار است. سعودی‌ها باید خود متوجه این نکته باشند که پرورش جریان‌های افراطی تکفیری تنها به ناامنی در کشورهای مسلمان دیگر و قتل عام شیعیان، محدود نخواهد شد بلکه تبعات ناامنی در آینده نزدیک، دامن کشورهای دوست و حتی عربستان را نیز فرا خواهد گرفت. یکی دیگر از چالش‌های جهان اسلام در زمینه تحقق وحدت، نبود رهبری واحد است. مواضع متفاوت و متناقض سران کشورهای اسلامی در خصوص تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، موضوعی کاملاً گویا و مبرهن است.

به نظر می‌رسد زمان آن رسیده است که مرکز نظریه پردازی اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران و با همکاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تاسیس و در خصوص تدوین الگوهای اسلامی و بومی در راستای رفع نیاز کشورهای اسلامی و تقویت همگرایی و وحدت اسلامی، تشکیل و از نخبگان دانشگاهی و دینی و حوزوی بهره نماید. در حال حاضر در کشورهای اسلامی، هنوز الگوها و مبانی توسعه غرب حکمفرماست. انقلاب اسلامی ایران که مبانی توسعه غرب را زیر سؤال برد ارزش نوینی در توسعه آفرید و آن هم این بود که توسعه اجتماعی نیازمند توسل به الگوهای غربی نیست. به تعبیر گیدنز، یعنی فرآیند عمومی جهانی که به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌رفت، با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم. یعنی فرآیند عمومی جهان، روند معکوس را آغاز کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۵). لذا امروزه منطقه خاورمیانه را بیشتر با عنوان «جهان اسلام» می‌شناسند تا عناوینی همچون دنیای شرق و یا جهان در حال توسعه. انقلاب اسلامی، ادبیات «جهان اسلام» را به هندسه قدرت جهانی آورد، به گونه‌ای که در ادبیات سیاسی غرب نیز عنوان «جهان اسلام» اصطلاح رایجی شده است، حال اینکه تا دو دهه قبل در ادبیات سیاسی سکولاریسم، جهان اسلام، اصطلاح فراموش شده ای بود (مهدوی زادگان، ۱۳۸۴: ۲۰۸). جهان اسلام، جهت صیانت از هویت خویش چاره ای جز اتحاد و روی آوردن به «اصول و آیین جهان شمول اسلام» که بر ملی گرایی ترجیح دارد، ندارد. مبنای اتحاد امت اسلامی، نه دشمن مشترک و غرب، بلکه «اسلام» است (خان محمدی، ۱۳۸۵: ۱۶).

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیم شقاقی، فتحی (۱۳۷۱). *انتفاضه طرح اسلامی معاصر*، ترجمه انتشارات بین الملل الهدی. تهران: هدی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۱). «اسلام و غرب پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، *فصلنامه مطالعات خاور میانه*، شماره ۳۲، زمستان.
- افتخاری، قاسم (۱۳۸۶). «جهانی شدن فرهنگ و دگرگونی‌های روابط بین الملل»، *مجموعه مقالات همایش بین الملل ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکردی ایرانی*، تهران: انتشارات بین الملل الهدی.

- امیردهی، ع.ر. (۱۳۸۴). «آلبانی»، مجله اندیشه تقریب، سال دوم، شماره ۵، زمستان.
- برگر، پیتر، ال (۱۳۸۰). افول سکولاریسم (دین خیزش گر و سیاست جهانی)، ترجمه افشار امیری. تهران: پنگان.
- بنارد، چریل (۱۳۸۴). اسلام دمکراتیک مدنی، ترجمه عسکر قهرمانپور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۷۶). دیدار با شرکت کنندگان در همایش جهان اسلام، ۲ دی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴). تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس. تهران: نشر قومس.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ زرقانی، هادی (۱۳۹۱). «چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۸۰، تابستان.
- خان محمدی، کریم (۱۳۸۵). «اسلام غرب و رسانه‌ها»، علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان.
- داستانی، علی (۱۳۸۰). بازسازی تفکر اسلامی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- در جستجوی راه از کلام امام (۱۳۶۲). دفتر اول، چهاردهم و پانزدهم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- رجاء، علی اصغر (۱۳۹۰). «معیارهای تعریف جهان اسلام»، معرفت، سال بیستم، شماره ۱۷۰، بهمن.
- سعادت، احمد (۱۳۸۷). «راهکارهای وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی و سید جمال الدین»، طلوع، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۷). پوشش اسلام در غرب، ترجمه عبدالرحمن گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شرابی، هشام (۱۳۶۹). روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عسگری، سهراب (۱۳۸۲). «ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تکیه بر افراز فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران با کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی»، رساله دکتری، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- عسگری، سهراب (۱۳۸۷). «ژئوپلیتیک جهان اسلام، زمینه‌های واگرایی و بسترهای همگرایی»، علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، بهار.
- عطار زاده، بهزاد (۱۳۹۱). «رهیافتی نظری در بررسی روابط دنیای اسلام و غرب در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال سوم، شماره پنجم، پاییز.

عیسی نیا، رضا (۱۳۸۵). «دولت بزرگ اسلامی؛ امکان یا امتناع با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)»، **علوم سیاسی**، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران»، **دانش سیاسی**، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان.

فولادی، محمد (۱۳۸۷). «استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی (ره)»، **معرفت**، سال هفدهم، شماره ۱۲۶، خرداد.

کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۰). **نظریه همگرایی در روابط بین الملل**. تهران: نشر قومس.

کدیور، جمیله (۱۳۷۴). **رویاریابی انقلاب اسلامی با آمریکا**. تهران: اطلاعات.

کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره) (۱۳۷۴). **مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۵.

گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۲). **سرزمین اسلام، شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان نشین**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

مردن، سیمون (۱۳۷۹). **تقابل فرهنگی در روابط بین الملل اسلام و غرب**، ترجمه احمد علیخانی. تهران: آریز.

مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰). **سیاست بین الملل و سیاست خارجی**. تهران: نشر مفهرس.

مهدوی زادگان، داود (۱۳۸۴). «بحران سکولاریسم در جهان اسلام»، **علوم سیاسی**، سال هشتم، شماره ۴، پیاپی ۳۲، زمستان.

موثقی، سیداحمد (۱۳۷۸). **علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه سیاسی و آرای اصلاحی سیدجمال‌الدین اسدآبادی**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۳۰۹.

موسوی خمینی، امام سیدروح‌اله (۱۳۷۸). **صحیفه امام**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۸۴). «اسلام در اندونزی»، **مجله اندیشه تقریب**، سال اول، شماره دوم.

هوشنگی، حسین (۱۳۸۹). «نقش مدرنیته در توسعه بنیادگرایی در جهان اسلام»، **دانش سیاسی**، سال ششم، شماره اول بهار و تابستان.

ولایتی، علی‌اکبر؛ سعید محمدی، رضا (۱۳۸۹). «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، **دانش سیاسی**، سال ششم، شماره اول بهار و تابستان.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). **فرهنگ و تمدن اسلامی**. قم، نشر معارف.

ب) منابع انگلیسی

- Bilgin, pinar & Morton, Adam David (2002)." Historicizing Representations of Failed states: Beyond the cold war, Annexaton of the social sciences?", **Third world Quarterly**, Vol. 23-No.1.
- Buzan, Barry (1983). **People, States & Fear: The National Security Problem in International Relations**, Brighton: Harvester.
- Carment, David (2003). Assessing state failure: Implications for theory and policy, **Third world quarterly**, Vol. 24, No.3.
- Economist (2008). **The Economist Intelligence Unit's**, Index of Democracy.
- Fuller, G. (2004). **The Futuer of Political Islam**, London: Palgrave Macmillan.
- Gerges, Fawaz, A. (1999). **America and political Islam: Clash of Cultures or Clash Of Interests?**, Cambridge University Press.
- Kagan, Robert (1998)."The Benevolent Empire", **Forigin policy**, No.111-summer.